بسمه تعالی

مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ی ۱ ارومیه

نام: گروه های آموزشی دوره ابتدایی

نام خانوادگی : کاربرگه نگارش پایه ی ششم برای مرور نیمسال اول تعداد صفحه: صفحه

۱. معنی کلمات زیر را بنویسید.

حجره :	چیره:	فضل:
اوراق فروشی:	نیرنگ:	دیده:
اوراق:	تَرک:	فیض:
اَلکَن:	رکاب دار:	تعالی:
تلفات:	مَجال:	گلشن:
بعثی:	مَلک:	مخلوق:
جوامع:	مَرکب:	تجلی:
ارج:	خلق:	فروغ:
درنگ:	خلقت:	نخجیر:
سقوط:	خالق:	کمند:
جان پناه:	مرغزار:	آذرگشسب:
خان:	قُمری:	ربیع:
اهریمنی:	معرفت:	غنیمت شمار:
تیمار:	موزون:	خروشید:
فرجام:		

۲. به جای واژگان مشخص شده، واژه های دیگری قرار دهید و جمله ها را بازنویسی کنید.

الف) هیچ چیز نمی تواند اثر محبت را از بین ببرد.

. .....

ب) بپرسیم و از هیچ چیز نهراسیم.

. .....

پ) هرکسی شخصیت خود را در رفتار و عمل خویش نمایان می کند.

.....

۳. بیت های زیر را به نثر ساده باز نویسی کنید. (حدود ۳ الی ۴ مورد در آزمون مطرح خواهد شد.)

- به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل به نورجان برافروخت

.....

- زفضلش هر دو عالم ، گشت روشن زفیضش خاک آدم ، گشت گلشن

.....

- جهان، جمله، فروغ نور حق ، دان حق اندر وی زپیدایی است پنهان

.....

- خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او، چشم دگر جوی

.....

- در او هر چه بگفتند از کم وبیش نشانی داده اند از دیده ی خویش

.....

- به نزد آن که جانش در تجلی است همه عالم ، کتاب حق تعالی است

.....

- باد بهاری وزید از طرف مرغزار / باز به گردون رسید،ناله ی هر مرغ زار
- خیزوغنیمت شمار،جنبش بادربیع / ناله ی موزون مرغ،بوی خوش لاله زار

- هرگل و برگی که هست،یادخدامی کند/ بلبل و قمری چه خواند؟یاد خداوندگار
- برگ درختان سبزدر نظر هوشیار / هر ورقش دفتری ست،معرفت کردگار

- با اینکه سخن به لطف آب است / کم گفتن هر سخن، صواب است
- آب ارچه همه زلال خیزد / از خوردن پر، ملال خیزد
- کم گوی و گزیده گوی،چون دُرِّ / تا ز اندک تو ، جهان شود پر

- لاف از سخن چو دُر توان زد / آن خشت بود که پر توان زد
- یک دسته گل دِماغ پرور از خرمن صد گیاه ، بهتر

- علم، چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست، نادانی
- نه محقَق بود نه دانشمند چارپایی، بر او کتابی چند

- آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر؟

- خروشید و جوشید و بر کند خاک ز سُمّش زمین شد همه، چاک چاک
- بزد تیغ و بینداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش
- بینداخت چون باد، خَمّ کمند سر جادو آورد ناگه به بند
- میانش به خنجر به دو نیم کرد دل جاروان زو پر از بیم کرد .
- چو رستم بدیدش بر انگیخت اسب بدو تاخت مانند آذر گُشسب

- سر و گوش بگرفت و یالش دلیر سر از تن بکندش به کردار شیر
- ز بهر نیایش، سر و تن بشست یکی پاک جای پرستش بجست
- از آن پس نهاد از بر خاک، سر چنین گفت : کای داورِ دادگر !
- ز هر بد، تویی بندگان را پناه تو دادی مرا، گُردی و دستگاه

- همه با هم برادر وطنیم / مهربان همچو جسم با جانیم
- اشرف و اَنجَب تمام مِلَل / یادگار قدیم دورانیم
- وطن ما به جای مادر ماست / مادر خویش را نگهبانیم

- گر رسد دشمنی برای وطن / جان و دل، رایگان بیفشانیم

شکر داریم که از طفولیّت / درس حبّ الوطن، همی خوانیم

- چون که حبّ وطن ز ایمان است / ما یقیناً ز اهل ایمانیم

- خوشا آنان که الله یارشان بی / به حمد و قل هوالله کارشان بی
- خوشا آنان که دائم در نمازند / بهشت جاودان بازارشان بی
- خداوندا به فریاد دلم رس / کس بی کس تویی، من مانده بی کس
- همه گویند طاهر کس نداره / خدا یار منه چه حاجت کس

- ای نام تو روییده به گلدان لبم / در مرحمت تو غوطه‌ور، روز و شبم
- در خاک طلب، بذر دعا کاشته‌ام/ باران اجابت تو را می‌طلبم
- اگر آن سبز قامت، رو نماید/ در باغ خدا را می گشاید
- تنم را فرش کردم تا بتازد /دلم را نذر کردم تا بیاید

۴. با توجه به شعر

علم، چندان که بیشتر خوانی　　چون عمل در تو نیست، نادانی
نه محقق بود نه دانشمند　　چارپایی، بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر　　که بر او هیزم است یا دفتر؟

از نظر سعدی، دانشمند واقعی کیست؟

۵. در بیت « اشرف و اَنجَب تمام مِلَل / یادگار قدیم دورانیم » منظور از »یادگار قدیم دورانیم« چیست؟

۶. پنجره های شناخت را نام ببرید.

۷. چرا، زبان، موجودی زنده معرفی شده است؟

۸. به نظر شما، زبان فارسی چه نقشی در وحدت و یکپارچگی ملّت ایران دارد؟

۹. شما چه راه هایی را برای نگاهبانی از زبان فارسی پیشنهاد می کنید؟

۱۰. به نظر شما میان کار آرش با دریاقلی چه شباهتی هست؟

۱۱. در کدام قسمت از خوانش مصراع « **باران اجابت تو را می طلبم**» مکث وجود دارد؟ چرا؟

۱۲. در بیت «**گر رسد دشمنی برای وطن جان و دل، رایگان بیفشانیم**»، واژه ی «**دشمنی**» با چه آهنگی خوانده می شود؟ چرا؟

۱۳. با توجه به نشانه گذاری ها، بیت زیر را بخوانید. به نظر شما خواندن کدامیک صحیح است؟با دلیل بیان کنید.

«لاف از سخن، چو در توان زد آن خشت بود که، پر توان زد»
«لاف از سخن چو در، توان زد آن خشت بود که پر، توان زد»

۱۴. بیت « **مهرت برون نمی رود از سینه ام که هست این سینه، خانه ی تو و این دل، سرای تو**» چگونه خوانده می شود؛ چرا؟

۱۵. مانند نمونه واژه های زیر را در جدول قرار دهید.

کلمه ــ فضلا ــ کتاب ــ کلمات ــ فاضل ــ کُتُب ــ فصل ــ متن ــ فصول

کلمه	کلمات
.....	.....
.....	.....
.....	.....

۱۶. در جمله های زیر نهاد و فعل را مشخص کنید.

جمله	نهاد	فعل
ما پدیده ها را خوب و دقیق می بینیم.		
انسان باید خالق خود را بشناسد.		

۱۷. هم خانواده کلمات زیر را بنویسید .

هلاک .....

مقصود .....

علم .....

فکر .....

خلق: .....

حافظ .....

تحصیل .....

عزت .....

شهید: .....

لکنت: .....

۱۸. در عبارات و ابیات زیر منادا و حرف ندا را مشخص کنید.

جمله	حرف ندا	منادا
ای وطن، همچو باران بهاری		
یارب، نکن از لطف، پریشان ما را		
خدای کعبه، ای یکتا		
ای وطن، همچو باران بهاری		

۱۹.نوع جمله های زیر را مشخص کنید. (خبری، عاطفی، سوالی، امری)

- ✓ **زیر درخت را نگاه کن**
- ✓ **برای سربلندی میهن عزیزمان چه کارهایی باید انجام دهیم**
- ✓ **امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد**
- ✓ **خدایا تو معرکه ای**

۲۰. تشبیه چیست؟

۲۱. کلمه های زیر را به چیزهای مناسب، تشبیه کنید و در جمله ای به کار ببرید.

مادر مثل ....

گل مانند ....

کوه چون ....

ایران همانند ....

۲۲. مبالغه چیست؟

۲۳. یک نمونه مبالغه که در صحبت هایتان به کار می برید، بنویسید.

.....

۲۴. چه آرایه ای در بیت زیر وجود دارد؟ توضیح دهید.

خروشید و جوشید و برکند خاک ز سمش زمین شد همه چاک چاک

در این بیت، شاعر .....

۲۵. چه آرایه ای در بیت زیر وجود دارد؟ توضیح دهید.

بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود خون از برش

در این بیت، شاعر .....

۲۶. کنایه چیست؟

۲۷. معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید.

کنایه	معنای نزدیک	معنای دور (کنایه)
آب در هاون کوبیدن		
به تنگ آمدن		
در خانه ی او همیشه باز است		

۲۸. هفت خان رستم را به ترتیب بنویسید.

۲۹. برای موفقیت در زندگی، به نظرتان چه خان هایی پیشرو دارید؟

۳۰. جاهای خالی را با واژه های مناسب پر کنید.

مادربزرگ همیشه می‌گفت: «اگر برای کسی کاری می‌کنی، به ..... به رخ کشیدن یک‌جور ..... است و اگر منّت بگذاری کار قشنگت ..... .»
مادربزرگ می‌گفت: «لازم نیست وقتی کار خوبی می‌کنی، داد بزنی. لازم نیست ..... و ..... را خبر کنی.» می‌گفت: «کار خوب مثل ..... است. خودش منتشر می‌شود.»

۳۱. متن زیر را با یکی از کلمات » از، به، در، با « کامل کنید.

چلچله‌ی خوش آواز ..... آسمان به پرواز در آمد ..... ابر سلام کرد ..... کنار خورشید گذشت و ..... او لبخند زد ..... باد هم نوا شد ..... زمزمه‌ی آب گوش فرا داد و چهره‌ی زیبای خود را ..... آن مشاهده کرد. چلچله می‌دانست که چگونه ..... این همه زیبایی لذّت ببرد.

۳۲. جمله های نوشته شده را در جورچین زیر شماره گذاری کنید و داستان آن را بخوانید.

- بامداد صاحبان مال دیدند که شتران و بار آنها ناپدید شده است.
- به پاسبان پرخاش کردند که چه پیش آمده است؟
- گفت آن هنگام شمشیر کشیدند و گفتند اگر فریاد و هیاهو کنی تو را می کشیم.
- نگهبان کاروانی شب به خواب رفت.
- دزدان رسیدند و کاروان را غارت کردند.
- گفتند: مگر تو سنگ بودی؟ چرا جلوی آن را نگرفتی؟
- گفت: دزدان نقابدار کاروان را غارت کردند و مال مردم را به یغما بردند.
- اما اکنون هر قدر که بخواهید برایتان فریاد می‌کشم!
- گفت: تعداد آنها زیاد بود و من تنها بودم.
- گفتند: اگر نمی توانستی با آنها مبارزه کنی، باید فریاد و هیاهو می کردی تا بیدار شویم.
- من نیز از ترس خاموش گشتم،

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟

۳۳. جاهای خالی را با »اما، ولی، بنابراین، و« کامل کنید.

چند وقت پیش داستانی درباره ی خیر و شر خواندم. اینکه سالها پیش خیر و شر برای شنا کردن به دریا رفتند..... شر زودتر از آب بیرون آمده..... لباسهای خیر را پوشید..... خیر هم برای اینکه برهنه نماند، مجبور شد لباسهای شر را بپوشد و حالا سالهاست که آدم ها خیر و شر را اشتباه می گیرند.

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- چرا مردم شر و خیر را اشتباه می گیرند؟

۳۴. جمله های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست، شماره گذاری کنید.

☐ مرد نگاهی به نانوا انداخت و گفت:«نان نیست، جان است برادر!»

☐ مرد گرسنه با دست نانی را نوازش کرد و گفت:«ای مرد، چقدر می‌گیری که مرا از این نان‌ها سیر کنی؟»

☐ روزی روزگاری مردی خسته و مانده، تشنه و گرسنه به شهری رسید.

☐ این شد که گفت: «سکّه‌ای بده و هر چه که می خواهی از این نان‌ها بخور!»

☐ «چه می خواهی مرد؟ اینها که می‌بینی نان است، نه چیز دیگر!»

☐ نانوا لبخندی زد و گفت: «سکّه‌ای بده و نان بخر و بخور. نوش جانت!»

☐ او با دیدن نان‌های تازه آب دهانش سرازیر شد.

☐ طوری حرف می‌زنی که گویی سال‌هاست نان ندیده‌ای.

☐ نانوا به او خیره شد و با خودش گفت: «این مرد هر چه پرخور و گرسنه باشد، بیشتر از چند نان نمی‌تواند بخورد».

☐ روزهاست که نان ندیده‌ام؛ ولی نان‌های تو از آن نان‌هاست که خوردن دارد.

☐ از آنجا که خیلی گرسنه بود، جلوی دکّان نانوایی ایستاد.

☐ مرد با خوشحالی سکّه‌ای به نانوا داد و شروع به خوردن کرد.

☐ نانوا که مرد گرسنه را دید، پرسید:

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟

۳۵. متن زیر را با دقت بخوانید.

آن سوی جنگل‌ها، روستای کوچکی بود. در آنجا رسم بود که افراد پیر و از کار افتاده را در خانه‌ی دور افتاده‌ای نگهداری کنند.

در این روستا، دهقان جوانی با پدر پیر و پسر کوچکش زندگی می‌کرد. پدر او دیگر نمی‌توانست کار کند. دهقان جوان تصمیم گرفت او را به آن خانه ببرد.

فردای آن روز، پدرش را سوار گاری کرد و به راه افتاد. وقتی که به آنجا رسیدند، مقداری آب و غذا برای او گذاشت و برگشت. در راه به یاد پیری خودش افتاد و گفت: «انصاف نیست؛ یک روز ممکن است پسرم همین بلا را سر من بیاورد». دهقان جوان برگشت و پدر را با خود به خانه آورد و او را در زیرزمین خانه‌اش پنهان کرد.

پس از مدّتی بیشتر مردم روستا بیمار شدند. وقتی پیر مرد خبر را شنید، گفت: «بیماری به خاطر آب آلوده است. به سرچشمه بروید و راه آب را عوض کنید». دهقان جوان حرف‌های پدر را به مردم گفت. آنها مسیر آب را تغییر دادند و سلامتی به روستا بازگشت.

مدّتی گذشت. فصل کاشت فرا رسید. پدر پیر به پسرش گفت: «اگر امسال مردم به جای گندم ذرّت بکارند، سال بعد زمین دوباره قوّت پیدا می‌کند و محصول گندم زیاد می‌شود».

مردم همان کاری را کردند که پیرمرد گفته بود. سال بعد آسیاب‌ها پر از دانه‌های گندم شدند. مردم روستا جشن گرفتند و به خانه‌ی دهقان آمدند و گفتند: «تو خیر مردم روستا را از همه بهتر می‌دانی پس کدخدای ما هستی.» دهقان گفت: «امّا من کاری نکرده‌ام، این فکر پدرم بود». مردم با تعجّب گفتند: «مگر او را به آن خانه نبرده‌ای؟»

دهقان جوان ماجرا را تعریف کرد و گفت: «درست است که پدرم از کار افتاده است؛ امّا چیزهای زیادی می‌داند». از آن روز مردم تصمیم گرفتند که پیرمردها و پیرزن‌ها را پیش خود نگه دارند.

با توجه به متن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- در سطر اول کلمه ی »آنجا« به چه چیزی اشاره می کند؟
- کلمه ی »او« به چه کسی یا چه چیزی اشاره می کند؟
- کلمه ی »تو« به چه کسی یا چه چیزی اشاره می کند؟
- در بند سوم کلمه ی »آنجا« به چه چیزی اشاره می کند؟

۳۶. عبارت زیر را با جمله ای کوتاه تر، بیان کنید.

الف) من هم مانند شما موجودی زنده هستم و زندگی من، فراز و فرودها و داستانی طولانی دارد.

.....

۳۷. عبارت زیر را با جمله ای کوتاه تر، بیان کنید.

ب) سحرگاهان خورشید از پشت افق، یعنی آنجا که دریا به آسمان می پیوندد، پدیدار می شود و چهره ی خود را به جهانیان نشان می دهد.

.....

۳۸. متن زیر را بخوانید و هر جایی که لازم است، در آن از نشانه های « . ، ؛ ؟ ! » استفاده کنید.

یک روز غروب ..... وقتی دهقان از مزرعه به خانه بر میگشت از لانه ی غازها صدایی شنید ..... دهقان از جا پرید و گفت .... چه صدای عجیب ..... حتماً روباه است .... سپس به طرف لانه ی غازها دوید ..... روباه را از لانه ی غازها بیرون کرد ..... در را که باز کرد ..... گفت .... دختر خوبم ..... روباه می گوید ..... امروز صبح که غازها را به چرا می بردی ..... شال زیبایی سرکرده بودی ..... یا شالت را می دهی یا همه ی غازها را می برم .... دخترک با ناراحتی گفت .... مگر روباه هم شال سر می کند .... دهقان گفت .... من نمیدانم ....

۳۹. مفهوم ضرب المثل های زیر را در یک بند توضیح دهید.

(در آزمون ها یکی از ضرب المثل ها داده خواهد شد.)

- **کار نیکو کردن از پر کردن است**

.....

- **هر که بامش بیش، برفش بیشتر**

.....

- **وطن دوستی نشانه ی ایمان است**

.....

- **نوشدارو بعد از مرگ سهراب**

.....

- **دشمن دانا بلندت میکند / بر زمینت می ِزند نادان دوست**

.....

- **از تو حرکت، از خدا برکت**

.....

- **شکر نعمت، نعمتت افزون کند**

.....

۴۰. در مورد یکی از دو موضوع زیر دو بند بنویسید.

(در آزمون ها یکی از موضوع ها داده خواهد شد.)

- بهار و زیبایی های آن را با کلامی زیبا توصیف کنید.
- وطن خود را در دو بند توصیف کنید
- با استفاده از واژههای زیر یک بند دربارهی »شهید« بنویسید.
- درباره ی یکی از نام آورانی ایران عزیز که می شناسید، بنویسید.
- شخصیت دهخدا را با یکی از نام آورانی که در کلاس پنجم با آن آشنا شدید، مقایسه کنید. تفاوت و شباهت آنها را در دو بند بنویسید.
- جشن نوروز
- شب یلدا
- جشن دهه فجر
- چشمان خود را ببندید و حس خود را درباره ی صداهایی که می شنوید، بنویسید.
- از پنجره ی کلاس به بیرون نگاه کنید و آنچه را می بینید، در یک بند بنویسید.
- داستان کوتاهی از زبان "خط فارسی" بنویسید. (کلمات متضاد مانند فراز و فرود ــ شکست و پیروزی را در داستان به کار ببرید.)
- یک بند درباره ی زبان مادری خود بنویسید.
- به عنوان یک ایرانی به نظرتان برای حفظ و پاسداری از زبان ملّی چه باید کرد؟ در یک بند بنویسید.
- بعد از یک میهمانی، ظرف ها در آشپزخانه درباره ی آداب غذا خوردن مهمان ها در حال صحبت بودند. گفت وگوی آنها را در دو بند بنویسید.
- شرح حال خود را در یک بند بنویسید (خودتان را معرفی کنید)
- درباره ی موضوعی که بیشتر به آن می اندیشید، یک بند بنویسید و از واژه های هم معنی استفاده کنید.
- در مورد یکی از آفریده های خدا که توجه شما را جلب کرده است، دو بند بنویسید.
- با نثر ساده و روان، زیبایی های محل زندگی خود را در یک بند معرفی کنید.
- داستان زیر را تا یک بند، ادامه دهید

امروز شاخه ی دیگری از درخت توت شکست و بر زمین افتاد. درخت توت آهی کشید و به درخت بید در آن سوی باغ که کودکان، کاری به کارش نداشتند، خیره شد. .....